



اگر فرزند شما درس نمی‌خواند...

در شماره گذشته علل جسمانی و شناختی مؤثر در ضعف تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفت و راههای مواجهه با مشکلات تحصیلی ناشی از علل یاد شده نیز مطرح گردید. اینک ادامه مقاله از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

علل عاطفی

همان‌گونه که دانش‌آموزان از نظر رفتارهای ورودی شناختی متفاوتند، از نظر عاطفه و انگیزش نسبت به موضوع یادگیری نیز بین آنها تنوع دیده می‌شود. بعضی با علاقه و اشتیاق آشکار به یادگیری مطلب می‌پردازند. دسته‌ای دیگر، آن را نوعی اجبار یا انجام وظیفه تلقی می‌کنند و عده‌ای هم با ناراحتی آشکاری با موضوع برخورد می‌کنند. بلوم، این خصوصیت دانش‌آموز را انگیزش برای یادگیری تکلیف یا تکالیف جدید، یا ویژگیهای ورودی عاطفی (AFFECTIVE ENTRY CHARACTERISTICS) می‌نامد و معتقد است که ویژگیهای ورودی عاطفی می‌توانند تا میزان ۲۵ درصد از احتمال پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی نمایند.^۱

چه عواملی در تعیین ویژگیهای ورودی عاطفی مؤثرند؟ و به عبارت بهتر، چه عواملی موجب ایجاد انگیزه یا عدم انگیزه در دانش‌آموز برای یادگیری می‌شوند؟ در اینجا سعی می‌کنیم به مهمترین عوامل اشاره نماییم.

۱- اولین عامل که بسیار مهم نیز هست، با رفتارهای ورودی شناختی (پیش‌نیازها) ارتباط می‌یابد. وقتی که دانش‌آموز پیش‌نیازهای لازم برای یادگیری مطلب جدید را آموخته باشد، موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد و وقتی در پیش‌نیازهای او نقصی وجود داشته باشد،

احتمال شکست فزونی خواهد یافت .

تکالیف یادگیری بعدی است .

تاریخچه‌ای از این موفقیتها و شکستها در نهایت منجر به ایجاد نگرشی مثبت یا منفی در یادگیرنده نسبت به موضوع درسی خواهد شد. حتی در مورد آن دسته از تکالیف یادگیری که رابطه غیر متوالی دارند و یادگیری یک تکلیف، پیش نیاز یادگیری تکلیف بعدی محسوب نمی‌شود نیز، احساس ناخوشایند ناشی از شکست در هر تکلیف، یادگیری تکالیف بعدی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

بسیاری از ما دوست داریم عدم توفیقای تحصیل خود یا فرزندانتان را به مسائلی از قبیل هوش، استعداد، گنجایش ذهنی، تفاوت‌های فردی، امکانات و ... نسبت دهیم. مثلاً می‌گوییم: «من استعداد ریاضی ندارم، یا دیدم ذهنم دیگر نمی‌کشد، بنابراین درس و مدرسه را رها کردم، و یا ...» و در واقع اینها توجهات و بهانه‌هایی برای راحت کردن خودمان است، و اگر بگوییم افسانه‌هایی برای فرار از واقعیتند گزافه نگفته‌ایم. مشکل جای دیگری است. یعنی به هر دلیلی مانند عدم کوشش خودمان، کیفیت نامناسب آموزش، کمبود وقت، مشکلات خانوادگی و ...، در فراگیری پیش نیازهایمان برای یادگیری مطالب دچار اشکال بوده‌ایم و یا شکستهای متوالی یادگیری، انگیزه لازم را برای پیشرفت در ما از بین برده است.

دانش‌آموزان زیادی به علت شکستها و ناکامیهای مکرر در یک یا چند درس، علاوه بر کسب احساس ناخوشایند به خاطر این شکستها، نسبت به ادامه یادگیری آن درس نیز دلسرد و نومید می‌شوند. تصور دانش‌آموز از توفیق او در تکالیف یادگیری قبلی - اعم از غیر متوالی و متوالی - تعیین‌کننده انگیزه او برای

۲- از دیگر ویژگیهای ورودی عاطفی، مدرسه و عوامل آن است. جو عمومی مدرسه برای یادگیری و ایجاد انگیزش برای یادگیری، یک ویژگی متمایزکننده مدارس از همدیگر است. علاوه بر آن، مدرسه‌ای که بتواند تساریخچه موفقیت از تجربیات یادگیری آموزشگاهی را، خصوصاً در دوره نخستین تحصیل فراهم کند، ویژگیهای ورودی عاطفی و بازده‌های عاطفی مثبتی را برای دانش‌آموزان فراهم خواهد ساخت.^۲

نقش معلم و کیفیت آموزش نیز از عوامل مؤثر و بسیار مهم آموزشگاهی است. کیفیت آموزش بالاتر، یادگیری دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند و احساس توفیق را در آنها به وجود خواهد آورد، نحوه برخورد معلم با دانش‌آموزان - بخصوص در سالهای اولیه تحصیل - حائز اهمیت فراوان است.

محتوای درس و میزان جذابیت کتب درسی نیز در ایجاد انگیزه مؤثرند. چون در نظام آموزشی کشور ما، کتابها و محتوای درس به صورت متمرکز ارائه می‌شوند و امکان هر نوع تغییری به سادگی ممکن نیست، لذا حداقل در این مورد به غیر از متولیان امر، کارچندانانی از دست بقیه بر نمی‌آید.

۳- خانواده نیز نقش مهمی در ایجاد انگیزش و علاقه مثبت یا منفی دانش‌آموز نسبت به درس و مدرسه دارد و اهمیت این نقش روز به روز فزونی می‌یابد. بعضی از خانواده‌ها محیطی امن و آرام برای انجام امور تحصیلی دانش‌آموزان محسوب می‌شوند، و بعضی دیگر

نمی‌کنند، بلکه سعی در ادامه اعمال روشهای نادرست خود دارند، خانواده‌هایی که اختلافات زناشویی در آنها وجود دارد؛ خانواده‌هایی که آسال و آرزوهای سرکوب شده خود را به فرزندشان قراککن می‌سازند؛ خانواده‌های گسسته، یعنی خانواده‌هایی که در آنها طلاق به وقوع پیوسته است؛ و ...

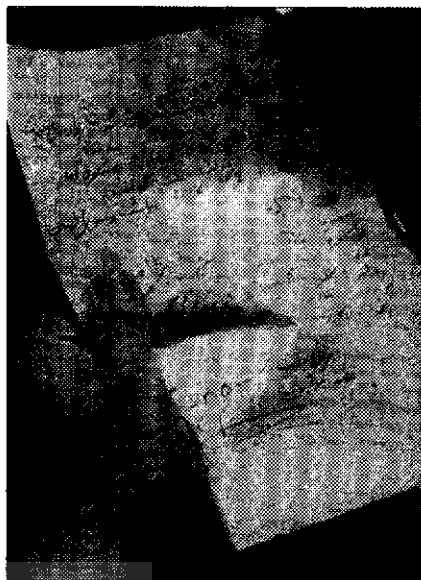
۴- مجموع عوامل فوق و تعدادی از عوامل احتمالی دیگر، موجب خواهند شد که در خود دانش‌آموز نگرشی کلی درباره مدرسه و یادگیری به وجود آید و در نهایت او نسبت به ادامه یا عدم ادامه تحصیلات تصمیم بگیرد.

چه باید کرد؟

با آنکه ویژگیهای ورودی عاطفی دانش‌آموز، پس از کسب تاریخچه‌ای طولانی از انواع یادگیری، ظاهراً در مقابل تغییر مقاومت می‌کند، اما راههایی وجود دارند که می‌توانند در افزایش کوشش دانش‌آموز برای یادگیری مؤثر افتند.

یک راه انجام دادن این کار آن است که کیفیت آموزش را بالا ببریم تا شمار بیشتری از دانش‌آموزان در یادگیری خود به نوعی احساس توفیق دست یابند. راه دیگر این است که دانش‌آموز را کمک کنیم و به او باز خورد دهیم تا در تکلیف یادگیری و پیشرفت خود احساس رضایت کند.^۲

ترمیم و تأمین هر چه بیشتر پیش‌نیازها و همچنین ایجاد موقعیتهایی برای کسب موفقیت در مورد دانش‌آموزانی که شکستهای مکرر را تجربه نموده‌اند - این کار عمدتاً به وسیله معلم و مدرسه امکان‌پذیر است تا والدین - نکاتی



محیطی آشفته و پرتنش به وجود می‌آورند. در خانواده‌های امن، دانش‌آموز احساس مسؤلیت فردی بیشتر نسبت به درس و مدرسه دارد؛ معمولاً کارهای تحصیلی‌اش را خود انجام می‌دهد و وابستگی کمتری به والدین دارد؛ در امور تحصیلی از سوی والدین تحت فشار قرار نمی‌گیرد؛ احساس خوشایندی نسبت به تحصیل دارد؛ در برابر شکستهای تحصیلی، خود بیش از والدین ناراحت می‌شود؛ و ... در خانواده‌های نایمن، وضعیت به عکس است. اضطراب و استرس مداوم در هر دو طرف قضیه - والدین و فرزند - از ویژگیهای اساسی این نوع خانواده‌هاست. انواع متفاوتی از خانواده‌های نایمن وجود دارند. خانواده‌هایی که حساسیتهای بی‌مورد دارند و رفتار والدین منطقی نیست؛ خانواده‌هایی که علاوه بر اعمال روشهای غلط تربیتی، نه تنها تلاشی برای افزایش آگاهی‌ها و تغییر در روشها

نادرست احتمالی والدین در مواجهه با ضعف تحصیلی فرزندشان، بدترین و بهترین کارهای ممکن را یاد آور می شویم.

بدترین کارهایی که می توانید بکنید...
اگر فرزندان ضعف تحصیلی دارد، اگر او همراه خود نمره های ضعیفی به خانه می آورد، و اگر پیشرفت تحصیلی او انتظارات شما را برآورده نمی سازد، کارهای زیر نمونه هایی از بدترین رفتارهایی هستند که ممکن است شما در مواجهه با مشکلات تحصیلی فرزندان انجام دهید.

۱- عصبانی شوید، جوش بیاورید، حساسیت بیش از حدی به خرج دهید و خواسته یا ناخواسته مسأله را بزرگ کنید.

۲- یک طرفه اقدام کنید. خودتان برنامه تنظیم کنید و هر موقع دلان خواست فرزندان را برای مرور درسها احضار نمایید. با ترسیم



هستند که باید مورد توجه جدی قرار گیرند.

ما با دخالت بیش از حد در امور تحصیلی فرزندانمان و ابراز حساسیتهای بی مورد، انگیزه فردی آنها را برای پیشرفت از بین می بریم. گاه تا حدی آنها را در امور تحصیلی به خود وابسته می کنیم که معلوم نمی شود درس و تحصیل وظیفه کیست؟ وظیفه او یا وظیفه ما؟ گاه نیز نظارت بر مسائل تحصیلی به حدی شدت می یابد که عملاً تمام زندگی کودک و نوجوان در درس و مدرسه خلاصه می شود و شور و نشاطی که اقتضای این دوره های سنی است رنگ می بازد.

به یاد داشته باشیم که هیچ نوع دخالت و نظارتی نباید استقلال عمل و احساس مسؤولیت فردی را از بین ببرد. اگر دیدید فرزندان به خاطر شما و یا ترس از شما و یا با فشار شما درس می خوانند- و نه به خاطر خود و با میل و اراده خود - مطمئن باشید جایی سر رشته امور از دستان در خواهد رفت و دیر یا زود، شاید با وضعیت پیش بینی نشده ای مواجه شوید. اگرچه مطلب اندکی طولانی شد، ولی تا اینجا شما باید تا حدی این توانایی را کسب نموده باشید که بتوانید علت یا علل ضعف تحصیلی فرزندان را منصفانه و به دور از خودمحوری و پیش داوری، توجیه نمایید. لازم به ذکر است که در کنار موارد یاد شده، کیفیت آموزش نیز از عوامل مؤثر پیشرفت تحصیلی محسوب می شود، اما چون مخاطب عمده ما در بحث حاضر والدین هستند، لذا از ورود به موضوع یاد شده اجتناب می کنیم.

حال هم به عنوان جمع بندی کلیه مطالب و هم برای مروری مختصر بر رفتارهای درست و

محافل فامیلی و عمومی، زبان به انتقاد از فرزندان بگشایید و با تحقیر و تمسخر، از درس و مدرسه و پیشرفت تحصیلی او حرف بزنید.

۵- آموزشهای اضافی توسط خودتان یا دیگری مانند معلم خصوصی یا کلاسهای تقویتی، تدارک ببینید، بدون اینکه فرزندان آمادگی و

خط و نشان او را وادار کنید به همان نحوی رفتار کند که شما می خواهید. سختگیری و شدت عمل به خرج دهید و نظارت و کنترل کاملی را اعمال نمایید.

۳- برای او جلسات سخنرانی ترتیب دهید! و در طی این جلسات از رفتار احتمالاً خشنونت آمیز والدین خودتان صحبت کنید، از



پذیرش لازم برای این امر را داشته باشد.

۶- با به رخ کشیدن زحمات خود او را تهدید کنید که بعد از این تحریمش خواهید کرد و یا توجهی به او نخواهید نمود، یا اینکه او دیگر فرزند شما نیست و دوستش ندارید. آیا می دانید با این کار زمینه های فاصله گرفتن بیشتر فرزندان را از خودتان فراهم می کنید؟ و آیا می دانید این رفتار مقدمه مشکلات بزرگتری

لطف و محبت و کرامتی که شما در حق فرزندان اعمال می کنید، از زحمات و جان کندنهای شبانه روزی خودتان، از ناسپاسی و نمک شناسی فرزندان و ... داد سخن دهید.

۴- به مسأله ابعاد بیشتری بدهید. در گفت و گوهای خانوادگی، فرزندان را با دیگران مقایسه کنید و از اینکه او نمی تواند مانند دیگران پیشرفت کند سرزنشش نمایید. یا در

مانند احساس گناه، احساس حقارت، افسردگی و حتی احتمالاً فرار از خانه است ؟

۷- به هنگام مرور درسها با همدیگر، علی‌رغم ایجاد فضای پرتنش و پراضطراب که معمولاً عامل آن خودتان هستید- آموزش و یادگیری را در این وضعیت و با تحمیل هر چه تمامتر ادامه دهید. بدتر از آن این است که به عوارض ناشی از این تنش و اضطراب که به صورت علائمی مانند شب ادراری، ناخن جویدن، دیدن کابوس، از خواب پریدن، ترس، و ... مشاهده می‌شوند توجه نکنید.

۸- هنگام اعلام نمره‌های درسی در منزل و یا گرفتن کارنامه، نگرانی و حساسیت خود را نتوانید کنترل کنید و شما بیش از فرزندان در مورد نتیجه کار مضطرب و هیجان زده باشید.

۹- علی‌رغم عدم توفیق روشهای اصلاحی‌تان، در ادامه آنها مصرّ باشید و در نتیجه علاوه بر روابط خود و فرزندان، محیط خانواده را نیز آشفته نمایید.

۱۰- رفتارهای غیر معمول و غیرمنطقی مانند فحاشی، پرت کردن و شکستن وسایل، پاره کردن کتابها و دفاتر، به سرو صورت خود زدن، دود کردن پی‌درپی سیگار و ... از خود نشان دهید.

۱۱- با تهدید به انجام کارهایی از قبیل داغ کردن، زندانی نمودن، کتک شدید، بی‌احترام نمودن کودک در نزد معلم، همسالان یا فامیل و ... اضطراب را افزایش دهید.

۱۲- بدترین و بدترین کارها آن است که به تنبیه بدنی اقدام کنید. تنبیه بدنی و حتی تهدید به اعمال آن، در مورد دانش‌آموزان ابتدایی عوارض سوء خاص خود، و در مورد نوجوانان دوره‌هایی راهنمایی و متوسطه عوارض سوء شدیدتری را به همراه خواهد داشت.

بهترین کارهایی که می‌توانید بکنید...

۱- قبل از آنکه به تغییر دادن رفتار فرزندان در امور تحصیلی اش بیندیشید، به خودتان و رفتارتان فکر کنید. ببینید آیا به همان اندازه‌ای که شما از فرزندان انتظار تغییر رفتار در امور تحصیلی یا سایر موارد را دارید، اگر فرزندان هم از شما انتظار داشته باشد که در موردی رفتارشان را تغییر دهید، آمادگی آن را خواهید داشت ؟ به عبارت ساده‌تر، اگر از فرزندان انتظار تغییر دارید، آمادگی شما برای تغییر تا چه حد است ؟

۲- بهتر است قبل از هر اقدامی با خصوصیات و ویژگیهای جسمانی، ذهنی (شناختی)، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی فرزندان آشنا شوید. برای این کار لازم است شما حداقل یکی دو کتاب روان‌شناسی رشد بخوانید. این کتابها معمولاً به همان نام خودشان یعنی روان‌شناسی رشد، و یا نامهایی چون روان‌شناسی کودک، روان‌شناسی نوجوان و روان‌شناسی کودک و نوجوان، در بازار کتاب به وفور وجود دارند.

۳- سعی کنید تا حد امکان منطقی و آرام رفتار کنید. حساسیت بیش از اندازه، رفتارهای سخت‌گیرانه و خشن و هر نوع رفتار آشفته‌ای،

اضطراب و دلهره را در فرزندتان بیشتر می‌کند و این به نفع هیچ‌کدام شمانیست.

۴- به یاد داشته باشید که وجود اضطراب تا حدی برای افزایش عملکرد یادگیری مؤثر است و هر چه میزان آن بیشتر باشد، نتیجه معکوس خواهد شد. یعنی اضطراب شدید، عملکرد یادگیری را کاهش خواهد داد. پس اگر دیدید رفتارهای شما در برابر مشکلات تحصیلی فرزندتان او را مضطرب و نگران می‌کند و گاه حتی او از اینکه برای مرور درسها کنار شما بنشیند واهمه دارد، لازم است ابتدا به آرام‌سازی محیط بپردازید. مدتی هر چند کوتاه نظارت خود را قطع کنید. سعی کنید تا حد امکان رفتار طبیعی به خود بگیرید. رفتار طبیعی واقعی و نه نمایشی - و مواظب بازگشت رفتارهای تنش‌زای خود باشید و بالاخره کمک به امور تحصیلی فرزندتان را از راههای دیگر و توأم با آرامش بیشتر آغاز کنید.

۵- به جای اینکه به فرزندتان حمله کنید، به مشکل حمله کنید. ببینید علت یا علل ضعف فرزندتان چیست؟ اگر مطمئن هستید که او مشکل جسمانی ندارد، پس به احتمال زیاد، ضعف او از دو حالت خارج نخواهد بود. یا مشکل ذهنی است و یا عاطفی، و در اکثر موارد ترکیبی از تأثیر متقابل این دو. شناخت صحیح علت، اولین گام درمان است. خود این کار مهارت خاصی می‌طلبد که گاه ممکن است از توان شما خارج باشد. در این صورت می‌توانید از افراد صاحب‌نظر و با تجربه هم کمک بگیرید. فقط فراموش نکنید که جابه‌جایی در هدف حمله می‌تواند مشکلات را صدچندان

کند.

۶- اگر علت ضعف تحصیلی فرزندتان را عمدتاً ذهنی (شناختی) تشخیص دادید، باید به موارد گفته شده تا حدی که امکانات مالی و زمان اجازه می‌دهد عمل کنید. توجه داشته باشید، تا زمانی که ضعفهای قبلی و کمبود در پیش نیازها جبران نشده، انتظار پیشرفت، چندان عاقلانه نخواهد بود.

۷- اگر علت ضعف تحصیلی فرزندتان را عمدتاً عاطفی تشخیص می‌دهید، ببینید علاوه بر عوامل ذهنی مؤثر- نقص پیش‌نیازها و یا شکستهای مکرر- در انگیزش تحصیلی، ریشه اصلی عدم انگیزه او را در کجا می‌توانید پیدا کنید، در خانه یا مدرسه؟ اگرچه این دو عامل نیز کاملاً در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، اما معمولاً ممکن است در هر مورد نقش یکی از آنها بیشتر باشد. واقعیت مهم این است که در مورد مسائل عاطفی غالباً نوعی از تغییر محیطی لازم است و در غیر این صورت، حتی در وضعیت رفع ظاهر مشکل، به علت عدم تغییر شرایط محیطی، امکان بازگشت مشکل وجود خواهد داشت. به‌طور مثال اگر مسائل عاطفی دانش‌آموز به اختلافات خانوادگی مربوط می‌شود و یا دانش‌آموز نمی‌تواند با معلمش سازگار شود، تا زمانی که اختلافات خانوادگی تا حد قابل قبولی مرتفع نشوند، و یا سازگاری بین معلم و دانش‌آموز حاصل نشود- و در موارد حادثه، جابه‌جایی مکان یکی از این دو- ادامه وضعیت بر شدت مشکلات عاطفی دانش‌آموز خواهد افزود.

شدت مشکلات عاطفی با شدت مشکلات

بهتری بر درسهای فرزندتان - بخصوص اگر فرزند شما در دوره ابتدایی باشد و یا سطح تحصیلاتتان بالا باشد و یا خودتان معلم باشید- دارید. اما فرزند شما در موقعیت و جایگاه شما قرار ندارد. نه خودتان را جای او بگذارید و نه او را جای خودتان. اصولاً می دانیم که درس خواندن کار دانش آموز است و به نفع دانش آموز. او باید از یاد گرفتن و پیشرفت تحصیلی لذت ببرد که در نهایت در او انگیزش درونی برای ادامه پیشرفت به وجود خواهد آورد. اما هر اندازه دخالت و مشارکت ما بیشتر می شود، کسب این لذت حالت اجباری و تحمیلی به خود می گیرد.

۹- شما حتماً برای تشویق پیشرفت تحصیلی فرزندتان از جایزه و پاداش استفاده می کنید. اما بهتر است بدانید که روان شناسان پاداش را به

تحصیلی رابطه مستقیم داشته ، معمولاً دشواریهای عاطفی ماندگارتر و جدی تر ، آثار تحصیلی طولانی تر و مداومتری دارند و بیشتر نیز مورد توجه هستند.

۸- اجازه بدهید بیشترین لذت درس خواندن و پیشرفت تحصیلی نصیب فرزندتان شود. مشارکت خارج از معمول شما در امور تحصیلی فرزندتان ، این لذت را برای او کاهش می دهد و همین طور دخالت مداوم شما، جابه جایی در کسب این لذت را موجب خواهد شد. شما از دیدگاه بالاتر و راحت تری به درسها و امور تحصیلی فرزندتان نگاه می کنید و شاید مشارکت شما بازگشتی به دوران کودکی خودتان برای کسب لذتی باشد که در آن زمان از آن محروم بودید. شما اینک به واسطه تواناییهای ذهنی تان ، تسلط و اشراف بیشتر و





انواع بیرونی و درونی تقسیم می‌کنند. منظور از پاداشهای بیرونی که به نوعی ایجاد انگیزش از بیرون محسوب می‌شود، همان تشویقهای غیر کلامی (هدایا و جوایز...) و کلامی است. اما پاداشهای درونی که موجب انگیزش درونی می‌شوند، کسب لذت فردی از کاری است که خود انجام می‌دهیم. بعضی‌ها درس را برای این می‌خوانند که جایزه بگیرند و توسط اطرافیان تشویق شوند، و بعضی دیگر برای این درس می‌خوانند که خود کار برایشان لذت‌بخش است. پس ضمن رعایت موارد قبلی، سعی کنید از پاداشهای بیرونی به صورت محدود و مهمتر از همه با برنامه و به‌جا استفاده کنید. استفاده بیش از حد و استفاده بدون برنامه و پراکنده از جوایز، آثار مطلوب آنها را کمتر خواهد کرد.

۱۰- بر مبنای موارد ۸ و ۹ بدیهی است که توصیه نماییم حتی الامکان وابستگی تحصیلی کودک را به خودتان کم کنید. این نکته هم مهم است که بدانید اگر فرزندان در خواندن درس به شما وابسته است و می‌خواهید این روند ادامه نیابد، وابستگی را به یکباره قطع نکنید. برای این کار باید برنامه‌ریزی خاصی داشته باشید.

کشور ما جا نیفتاده‌اند. برای ما خیلی راحت‌تر است که مثلاً برای اینکه فرزندمان را وادار به ترک کاری بنماییم، بنشینیم و او را ساعتها نصیحت کنیم و حتی چیزهایی را به او بگوئیم که خود بدان عمل نمی‌کنیم.

اما اگر به ما بگویند که هر رفتار مطلوب و نامطلوب در طول زمان بوجود می‌آید و ایجاد رفتار و یا کاهش آن نیازمند زمان است - یک اصل بنیادی تغییر رفتار- پس باید در هر مورد برنامه‌ای تدوین کنیم و با آن برنامه پیش برویم، حتی اگر این چیزها را قبول کنیم، اما در عمل حوصله اجرای آن را نخواهیم داشت. به‌هر

۱۱- برای ایجاد، افزایش و نگهداری رفتارهای تحصیلی مطلوب و همین‌طور کاهش رفتارهای تحصیلی نامطلوب، حتماً و صددرصد لازم است با روشهای تغییر رفتار آشنا شوید و در به کار بردن آنها مهارت کسب کنید. به‌رغم آنکه کارایی و تأثیرات شگرف روشهای تغییر رفتار در دنیا به اثبات رسیده است، اما متأسفانه به علل چندی این روشها در

امکان کمک گرفتن از افراد متخصص را مدنظر قرار دهید. حتی اگر افراد متخصص اعم از روان پزشک، روان شناس و مشاور نتوانند به طور کامل در رفع ضعف تحصیلی فرزندان مؤثر باشند، حداقل در آرام کردن وضعیت و ایجاد تغییر در شیوه‌های مواجهه با مسأله مؤثر خواهند بود.

۱۵- لازم است نه تنها روال زندگی منظم و با برنامه‌ای داشته باشید، بلکه فرزندان را هم با شیوه‌های برنامه‌ریزی و استفاده مناسب از زمان آشنا سازید. همچنین آگاهی از روشهای مطالعه از نیازهای ضروری هر دانش‌آموز است و اهمیت این مسأله در سالهای بالاتری تحصیل، بخصوص از دوره راهنمایی به بعد، افزایش می‌یابد.

متأسفانه برای هر دو مورد فوق در نظام آموزشی کشورمان برنامه خاصی گنجانیده نشده است و جای خالی آنها در برنامه آموزشی مدارس کاملاً احساس می‌شود.

منابع:

۱ و ۲ - ۳ - بلوم، بنجامین س (۱۹۸۲)، ترجمه سیف، علی اکبر (۱۳۶۳)، ویژگیهای آدمی و یادگیری آموزشی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول



حال لازم است بدانید که روشهای مدون و بسیار دقیق و اصولی برای تغییر هر نوع رفتار وجود دارند.

۱۲- از مقایسه کردن فرزندان با دیگران اعم از خواهر و برادر، همکلاسیها، فرزندان همکارتان و یا سایر کودکان فامیل شدیداً پرهیزید. این هم از عجایب است که ما از یک طرف تفاوتهای فردی را قبول داریم، اما از طرف دیگر خود در عمل و به راحتی این اصل را نقض می‌کنیم. مقایسه افراد با همدیگر، اگرچه در ظاهر به نفع عده‌ای تمام شود، امامکن است به ضرر عده‌ای دیگر باشد. این مقایسه‌ها معمولاً حسادت، کینه، بدبینی، خصومت و ریاکاری را به دنبال خواهند داشت.

۱۳- به جای اینکه با اعمال و گفتار خود به فرزندان ثابت کنید که ناتوان، ضعیف و بی‌عرضه است، سعی کنید ثابت نمایید که شکستها و عدم موفقیت‌های او ناشی از عدم کوشش و یا کوشش ناکافی است. به اصطلاح روان‌شناسی، اسنادهای او را از عدم توانایی به عدم کوشش تغییر دهید. البته لازم است که در این کار هم از افراط و تحمیل پرهیز کنید.

۱۴- علی‌رغم همه نکات گفته شده باز هم مواردی از ضعف تحصیلی وجود خواهند داشت که ممکن است علت آنها قابل توجه و پیش بینی نباشد. در این‌گونه موارد و همچنین در مواردی که مشکلات تحصیلی فرزندان مسائل حادثتری را در خانه و خانواده به وجود می‌آورد و دخالت شما نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه بر وخامت اوضاع می‌افزاید، بهتر است